

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

پژوهش‌های آینده‌نگر در زمینه تروریسم، امنیت و دموکراسی



از نیروی نیابتی تا دشمن؟ پاکستان، طالبان و فروپاشی یک رابطه دیرینه

طارق جهان

گزارش ویژه

دسمبر ۲۰۲۵

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان (ACSTD) یک نهاد پژوهشی، پالیسی محور، و شرکت مشورتی استراتژیک به رهبری افغان‌ها است که در زمینه‌های تروریسم، منازعات، امنیت، دموکراتیزه‌سازی، مشارکت مدنی و تاب‌آوری اجتماعی فعالیت تخصصی دارد. این مرکز به‌عنوان نهادی مستقل و متکی بر واقعیت‌های محلی، پژوهش‌های آینده‌نگر، مشوره‌های پالیسی و راهکارهای عملی را برای محیط‌های شکننده و آسیب‌دیده از منازعات، با تمرکز بر افغانستان و آسیای جنوبی، ارائه می‌کند.

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان در بریتانیا به ثبت رسیده است (شماره ثبت شرکت SC859228). این مرکز با تلفیق شناخت عمیق از واقعیت‌های محلی، دقت و استحکام تحلیلی و معیارهای جهانی، از اقدامات مبتنی بر شواهد در راستای تأمین امنیت، دموکراسی و صلح حمایت می‌کند.

info@acstd.org | www.acstd.org

گزارش ویژه

دسمبر ۲۰۲۵

فهرست مطالب

1	خلاصه
2	پیشینه تاریخی
3	از تنش‌های محدود تا افزایش شدید درگیری‌ها (۲۰۲۱-۲۰۲۵)
3	الف) اپریل ۲۰۲۲: نخستین افزایش شدید درگیری‌ها
3	ب) مارچ ۲۰۲۴: حملات دوباره بر خوست و پکتیکا
4	ج) دسامبر ۲۰۲۴: تلفات سنگین ملکی در پکتیکا
4	د) آگست ۲۰۲۵: حملات طیاره‌های بی‌پilot در ننگرهار و خوست
4	هـ) اکتوبر ۲۰۲۵: از حملات طیاره‌های بی‌پilot در کابل تا درگیری‌های آشکار
5	و) ۱۵ تا ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۵: حملات طیاره‌های بی‌پilot بر کابل و سپین بولدک
5	ز) نومبر ۲۰۲۵: تیراندازی در مرز و حملات هوایی تازه در جریان مذاکرات آتش‌بس
6	واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
6	الف) سکوت، معیارهای دوگانه و واکنش‌های سلیقه‌ای
7	ب) تلاش‌های میانجی‌گری و دیپلوماسی آتش‌بس
7	پیامدهای سیاسی و امنیتی
7	الف) محاسبه نادرست استراتژیک پاکستان
8	ب) مشروعیت طالبان و افزایش حمایت مردمی در دفاع از کشور
8	ج) پیامدها برای امنیت داخلی پاکستان
8	د) یک میدان نبرد دیگر: افزایش تنش‌ها در رسانه‌ها و جنگ روایت‌ها
9	تغییر وضعیت استراتژیک برای هر دو طرف
9	الف) درگیری به‌عنوان فرصتی برای گروه‌های مسلح
10	ب) تغییر روابط سیاسی و احتمال شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی
10	ج) قدرت‌های منطقه‌ای: نگرانی‌ها و محاسبات استراتژیک
10	د) خطر ادامه درگیری‌های محدود برای مدت طولانی
11	پیامدهای پالیسی
11	الف) پیشنهادها برای طالبان
11	ب) پیشنهادها برای پاکستان
12	ج) پیشنهادها برای کشورهای منطقه و جامعه جهانی
13	نتیجه‌گیری
14	منابع
16	درباره نویسنده

خلاصه

این گزارش ویژه افزایش شدید تنش‌ها میان طالبان و پاکستان را بررسی می‌کند؛ تنش‌هایی که در اکتوبر ۲۰۲۵ با حملات هوایی در آن سوی مرز، حملات طیاره‌های بی‌پیلوت و درگیری‌های شدید به بالاترین سطح خود رسید. هرچند ریشه‌های این بحران به بی‌اعتمادی دیرینه ناشی از حل‌نشدن مسئله خط دیورند و روایت‌های متضاد در مورد فعالیت گروه‌های مسلح برمی‌گردد، اما شدت دشمنی میان طالبان و پاکستان پس از بازگشت طالبان به قدرت، در روابطی که برای مدت طولانی به‌عنوان رابطه حامی و نیروی نیابتی شناخته می‌شد، قابل توجه است.

از سال ۲۰۲۲ به این سو، پاکستان بارها بر چندین ولایت افغانستان حملات هوایی انجام داده که در نتیجه آن ده‌ها فرد ملکی، به‌شمول زنان و کودکان، کشته شده‌اند. حملات هوایی ۹ اکتوبر ۲۰۲۵ یک نقطه عطف تعیین‌کننده بود که روابط مبتنی بر حمایت از یک نیروی نیابتی را دگرگون ساخت و دو طرف را با سرعت بیشتری به‌سوی رویارویی کشاند. طالبان در پاسخ، دست به حملات تلافی‌جویانه زدند، مواضع سیاسی قاطع اتخاذ کردند و این حملات را به‌شدت محکوم نمودند. با وجود تلاش‌های قطر، ترکیه و بعداً عربستان سعودی برای میانجی‌گری، توافق‌های آتش‌بس بارها ناکام ماند. اظهارات تند سیاسی نیز تنش‌ها را بیشتر ساخت و نشان داد که روابط میان دو طرف با چه سرعتی رو به وخامت است.

مردم ملکی بیشترین آسیب را متحمل شدند. با این حال، واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دلیل ملاحظات جیوپولیتیکی و انزوای دیپلماتیک طالبان محدود باقی ماند. افزایش تنش‌ها پیامدهای مهم سیاسی نیز به همراه داشت. در داخل افغانستان، به نظر می‌رسید که طالبان به‌عنوان مدافعان حاکمیت ملی، حمایت ضمنی بخشی از مردم را به دست آورده‌اند و احساسات ضد پاکستانی در میان اقشار مختلف جامعه به‌شدت افزایش یافت. در پاکستان، این بحران آسیب‌پذیری‌های داخلی را آشکار ساخت؛ از جمله افزایش حملات تحریک طالبان پاکستان (TTP) و گسترش احساسات ضد افغان، به‌ویژه علیه مهاجرین افغان. این وضعیت همچنان فرصت‌هایی را برای دیگر گروه‌های مسلح فراهم کرد تا فعالیت‌های خود را گسترش دهند و از ضعف کنترل در دو سوی مرز استفاده کنند.

این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که بدون ایجاد یک مکانیزم منظم برای مدیریت مرز، تلاش‌های دوامدار دیپلماتیک و تعهدات قابل اعتماد از سوی هر دو طرف، خط دیورند همچنان یکی از نقاط اصلی تنش باقی خواهد ماند. این تعهدات باید بر موجودیت یک حکومت فراگیر و به‌رسمیت‌شناخته‌شده در افغانستان و نیت‌های روشن و شفاف پاکستان و رفتار سازنده آن به‌عنوان یک کشور همسایه استوار باشد. در این میان، جلوگیری از افزایش بیشتر تنش‌ها نیازمند در اولویت قرار دادن حفاظت از مردم ملکی، استفاده از راه‌حل‌های غیرنظامی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است تا از تبدیل شدن این بحران به یک درگیری گسترده‌تر که ثبات منطقه را با خطر روبه‌رو می‌سازد، جلوگیری شود.

پیشینه تاریخی



عکس ۱: خط دیورند

خط دیورند که در سال ۱۸۹۳ در جریان «بازی بزرگ» بریتانیا ترسیم شد، هنوز هم یکی از جنجالی‌ترین مرزها در منطقه به شمار می‌رود. هدف از ترسیم این خط، مشخص ساختن ساحات نفوذ بود، نه ایجاد یک مرز دائمی بین‌المللی. با گذشت زمان، مقام‌های بریتانیایی و بعداً پاکستان، این خط را به‌عنوان یک مرز تثبیت‌شده در نظر گرفتند. خط دیورند به طول تقریبی ۲۶۴۰ کیلومتر از مناطق پشتون‌نشین و بلوچ‌نشین می‌گذرد و جوامع محلی و روابط دیرینه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را از هم جدا می‌سازد.

زمانی که پاکستان در سال ۱۹۴۷ ایجاد شد، افغانستان یگانه کشوری بود که به عضویت این کشور در سازمان ملل متحد رأی مخالف داد و ادعای پاکستان مبنی بر به ارث بردن مرز استعماری را رد کرد. پاکستان استدلال می‌کرد که خط دیورند از نظر قانونی همچنان اعتبار دارد (Omrani, 2018). اما رهبران افغانستان با این دیدگاه مخالف بودند و تأکید داشتند که معاهده دیورند بر افغانستان تحمیل شده و هرگز از سوی مردم افغانستان پذیرفته نشده است. در نتیجه، مسئله مرز همچنان حل‌نشده و از نظر سیاسی حساس باقی مانده است. کشورهای جهان و نهادهای بین‌المللی در عمل با خط دیورند به‌عنوان یک مرز برخورد می‌کنند، اما از تأیید رسمی آن خودداری می‌ورزند.

روایت‌های تاریخی دو طرف نیز تفاوت‌های عمیقی دارند. نویسندگان پاکستانی، مانند ملک امیر محمد خان (2025)، پاکستان را یک همسایه ثبات‌آفرین معرفی می‌کنند که در جریان جنگ‌ها و آوارگی‌ها از افغانستان حمایت کرده است. اما پژوهشگران افغان و پژوهشگران دوره پس از استعمار، روایت کاملاً متفاوتی دارند و بر فشارهای استعماری و جدایی اقوام تأکید می‌کنند. به باور آنان، خط دیورند نشان‌دهنده یک جدایی تحمیلی است که تا امروز بر زندگی مردم دو سوی مرز تأثیر می‌گذارد (Kaura, 2017; بنیاد اروپایی مطالعات جنوب آسیا، 2018). از دید پاکستان، خط دیورند برای تأمین امنیت این کشور ضروری است؛ اما از دید افغانستان، این خط میراثی از دوران استعمار است که زخم‌های آن هنوز التیام نیافته است.

گذشته از بحث بر سر مشروعیت خط دیورند، این مرز از مدت‌ها به این سو یکی از مراکز ناامنی بوده است. مناطق کوهستانی و دشوارگذر در امتداد این خط، رفت‌وآمد گروه‌های مسلح، قاچاقبران و خانواده‌های آواره را در دو سوی مرز آسان ساخته است. از سال ۲۰۰۱ به این سو، پاکستان افغانستان را متهم کرده است که به جنگجویان تحریک طالبان پاکستان (TTP) اجازه می‌دهد از خاک افغانستان فعالیت کنند. در مقابل، افغانستان نیز پاکستان را متهم کرده است که برای تأثیرگذاری بر سیاست افغانستان، از طالبان افغان حمایت می‌کند (Jafeer & Saeed, 2020).

این اتهامات باعث افزایش بی‌اعتمادی و حملات تلافی‌جویانه دوره‌ای میان دو طرف شده است. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، مناطق مرزی به ساحة درگیری‌های نظامی با شدت پایین تبدیل شدند که با حملات توپخانه‌ای، حملات هوایی و درگیری‌های مسلحانه در ولایت‌های مختلف افغانستان، از جمله خوست، پکتیکا و کنر، همراه بود.

پروژه حصارکشی پاکستان در امتداد خط دیورند که در سال ۲۰۱۷ آغاز شد، حضور نظامی در مناطق مرزی را بیشتر ساخت. این اقدام در داخل افغانستان با انتقادات گسترده روبه‌رو شد؛ زیرا بسیاری آن را تلاشی برای رسمی ساختن یک مرز مورد اختلاف می‌دانستند که رفت‌وآمد مردم و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی آنان را نیز مختل می‌ساخت (Samim, 2024).

امروز، خط دیورند را می‌توان به‌عنوان یک منطقه ناامن و همواره پرتنش شناخت که تاریخ استعمار، روایت‌های متضاد و حضور گروه‌های مسلح مختلف در شکل‌گیری این وضعیت نقش داشته‌اند. این گزارش به وضعیت حقوقی خط دیورند نمی‌پردازد، اما تأکید می‌کند که این مرز همچنان یکی از نقاط اصلی تنش و درگیری‌های مرزی، رفت‌وآمد گروه‌های شورشی و آسیب‌های بشری است؛ به‌ویژه در شرایط کنونی که تنش‌ها میان طالبان و پاکستان افزایش یافته است.

از تنش‌های محدود تا افزایش شدید درگیری‌ها (۲۰۲۱-۲۰۲۵)

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱، خط دیورند بار دیگر به یکی از پرتنش‌ترین مناطق مرزی در منطقه تبدیل شده است. هرچند هر دو طرف بارها وعده همکاری در مبارزه با فعالیت گروه‌های مسلح در دو سوی مرز را داده‌اند، اما بی‌اعتمادی میان آن‌ها به سرعت افزایش یافت. پاکستان طالبان را به پناه دادن به جنگجویان تحریک طالبان پاکستان (TTP) متهم کرد، در حالی که طالبان پاکستان را به فراهم ساختن زمینه فعالیت برای شاخه خراسان داعش (ISKP) و دیگر گروه‌ها متهم کردند. هر دو حکومت این اتهامات را به صورت علنی رد کردند، اما رفتارهای گذشته آن‌ها باعث افزایش شک و بی‌اعتمادی متقابل شد.

این بی‌اعتمادی بر روابط دو طرف پس از سال ۲۰۲۱ تأثیر عمیقی گذاشته است. پاکستان برای دو دهه از شورش طالبان علیه جمهوری پیشین افغانستان حمایت کرد که یکی از انگیزه‌های آن، نگرانی از روابط کابل با هند بود. اکنون، در یک تغییر آشکار، طالبان پاکستان را به همان «بازی دوگانه» متهم می‌کنند که زمانی علیه خود آن‌ها به کار گرفته می‌شد.

در ظاهر، به نظر می‌رسد که درگیری‌ها ناشی از نبود میکانیزم‌های روشن برای مدیریت مرز است. اما در واقع، این درگیری‌ها نشان‌دهنده نارضایتی پاکستان از تمایل نداشتن طالبان به پیروی از خواسته‌های این کشور و فراهم ساختن عمق استراتژیک مورد انتظار پاکستان است. در نتیجه، اتهامات متقابل میان دو طرف بارها به درگیری‌هایی تبدیل شده که بیشترین آسیب آن به مردم ملکی رسیده است. در ادامه، سیر رویدادها و حملات مهم به صورت مختصر بررسی می‌شود.

الف) اپریل ۲۰۲۲: نخستین افزایش شدید درگیری‌ها

هرچند مشخص ساختن زمان دقیق آغاز افزایش تنش‌ها دشوار است، اما نخستین موج بزرگ درگیری‌ها در اپریل ۲۰۲۲ رخ داد. به گزارش الجزیره، حملات هوایی پاکستان در ولایت‌های خوست و کنر دست‌کم ۴۷ فرد ملکی، به‌شمول شمار زیادی از زنان و کودکان آواره‌شده از وزیرستان، را کشت و ۲۲ تن دیگر را زخمی ساخت. پاکستان ادعا کرد که این حملات پس از کشته شدن هفت سرباز پاکستانی، جنگجویان تحریک طالبان پاکستان را هدف قرار داده بود. طالبان این توضیح را رد کردند و حملات را نقض آشکار حاکمیت ملی افغانستان خواندند. در پی این حملات، اعتراضات مردمی در خوست آغاز شد. تحلیلگران نیز اشاره کردند که حملات پاکستان تنها اقدامات نظامی نبودند، بلکه پیام‌های سیاسی نیز داشتند که نشان‌دهنده نارضایتی این کشور بودند (Torelli, 2022). این حملات به یکی از مرگبارترین رویدادهای مرزی آن سال تبدیل شدند.

ب) مارچ ۲۰۲۴: حملات دوباره بر خوست و پکتیکا

در مارچ ۲۰۲۴، پاکستان بار دیگر حملات هوایی را بر خاک افغانستان انجام داد. بر اساس گزارش‌های حسین (۲۰۲۴ الف) و رویترز، در این حملات دست‌کم هشت فرد ملکی، به‌شمول پنج زن و سه کودک، در ولسوالی سپیره خوست و ولسوالی برمل پکتیکا کشته شدند. پاکستان این عملیات را «حملة ضد تروریسم بر اساس معلومات استخباراتی» توصیف کرد و بار دیگر آن را

به فعالیت‌های تحریک طالبان پاکستان (TTP) ارتباط داد. طالبان در پاسخ، از سلاح‌های سنگین در امتداد مرز استفاده کردند، نماینده دیپلوماتیک پاکستان را در کابل احضار نمودند و در مورد «پیامدهای جدی» هشدار دادند. دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) بعداً در گزارش وضعیت حقوق بشر از جنوری تا مارچ ۲۰۲۴، شمار تلفات ملکی این حملات را تأیید کرد و تلفات بیشتری را نیز در جریان درگیری‌های مسلحانه همان روز در ولسوالی دند پتان ولایت پکتیا ثبت نمود.

ج) دسمبر ۲۰۲۴: تلفات سنگین ملکی در پکتیکا

در ۲۴ دسمبر ۲۰۲۴، پاکستان بار دیگر حملات هوایی را انجام داد که این بار ولایت پکتیکا را هدف قرار داد. به گزارش حسین (۲۰۲۴ ب)، در این حملات دست‌کم ۴۶ فرد ملکی کشته شدند. طالبان این حمله را یک «عمل بزدلانه» خواندند و در مورد حملات تلافی‌جویانه هشدار دادند. این حملات تنها چند ساعت پس از سفر یک نماینده پاکستان به کابل صورت گرفت و این گمانه‌زنی‌ها را افزایش داد که تلاش‌های دیپلوماتیک به پوششی برای اقدامات نظامی تبدیل شده است. پاکستان در این مورد به صورت رسمی اظهار نظر نکرد، اما زمان این حملات با افزایش حملات تحریک طالبان پاکستان هم‌زمان بود که در نتیجه آن ۱۶ سرباز پاکستانی کشته شده بودند. بار دیگر، مردم ملکی افغانستان بهای بحران امنیت داخلی پاکستان را پرداختند.

د) آگست ۲۰۲۵: حملات طیاره‌های بی‌پilot در ننگرهار و خوست

در آگست ۲۰۲۵، گزارش شد که طیاره‌های بی‌پilot پاکستان حملات تازه‌ای را در ولایت‌های ننگرهار و خوست انجام داده‌اند. بر اساس گزارش غورخنگ در طلوع‌نیوز (2025)، در ولسوالی سپیره خوست سه کودک کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند، در حالی که در ولسوالی غنی خیل ننگرهار شش فرد ملکی زخم برداشتند. مقام‌های طالبان پاکستان را مستقیماً مسئول این حملات دانستند و گفتند که این حملات تلفات جانی و خسارات مالی قابل توجهی به همراه داشته است. این رویدادها مشابه حملات پیشین در ولسوالی برم‌ل ولایت پکتیکا بود که پیش از این باعث کشته شدن ده‌ها فرد ملکی شده بود.

ه) اکتوبر ۲۰۲۵: از حملات طیاره‌های بی‌پilot در کابل تا درگیری‌های آشکار



تنش‌ها در اکتوبر ۲۰۲۵ به بالاترین سطح خود رسید. در ۹ اکتوبر، پاکستان حملاتی را با استفاده از طیاره‌های بی‌سرنشین در کابل انجام داد که بر اساس گزارش‌ها، در نتیجه آن دو عضو ارشد تحریک طالبان پاکستان (TTP) کشته شدند و نور ولی محسود، رهبر این گروه، نیز هدف قرار گرفت.

عکس ۲: بسیج نیروهای طالبان به سوی خط دیورند در جریان عملیات تلافی‌جویانه.

(Khattak, 2025). طالبان این حمله را نقض شدید حاکمیت ملی افغانستان خوانده و آن را محکوم کردند. در همان روز، پاکستان مناطق ملکی در پکتیکا، به‌شمول یک بازار محلی، را نیز هدف حملات خود قرار داد. چند روز بعد، رهبر تحریک طالبان پاکستان در یک ویدیو از داخل پاکستان ظاهر شد و اعلام کرد که زنده است و گروه او برای جنگ با حکومت پاکستان به خاک کشورهای دیگر وابسته نیست. زمان انجام این حملات پرسش‌هایی را به میان آورد؛ زیرا این حملات تنها چند روز پس از یک حمله بزرگ تحریک طالبان پاکستان که در آن ۱۱ سرباز پاکستانی کشته شده بودند، و هم‌زمان با سفر رسمی امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، به هند صورت گرفت.

در کمتر از ۴۸ ساعت، درگیری‌ها به چندین نقطه مرزی گسترش یافت. به گزارش رادیو مشال و رادیو آزادی (2025)، طالبان ادعا کردند که ۵۸ سرباز پاکستانی را کشته‌اند، در حالی که ۹ تن از نیروهای خود را از دست داده‌اند. پاکستان نیز اعلام کرد که بیش از ۲۰۰ تن از نیروهای طالبان را کشته و ۲۳ تن از نیروهای خود را از دست داده است. گذرگاه‌های مرزی بسته شدند و ارتباطات دیپلماتیک میان دو طرف متوقف گردید. کشورهای منطقه، به‌شمول ایران، عربستان سعودی و قطر، از دو طرف خواستند که از افزایش بیشتر تنش‌ها خودداری کنند.

(و) ۱۵ تا ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۵: حملات طیاره‌های بی‌پilot بر کابل و سپین بولدک

در ۱۵ اکتوبر، افغانستان انترنشنل (۲۰۲۵ الف) گزارش داد که پاکستان حملات تازه‌ای را با استفاده از طیاره‌های بی‌پilot در ناحیه چهارم شهر کابل انجام داده است که در نتیجه آن دست‌کم پنج فرد ملکی کشته و ۳۵ تن دیگر زخمی شدند. چند ساعت بعد، آتش‌بس اعلام شد. دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) نیز آسیب‌های گسترده به مردم ملکی را تأیید کرد. سپین بولدک بیشترین آسیب را متحمل شد؛ جایی که ۱۷ فرد ملکی کشته و ۳۴۶ تن دیگر زخمی شدند. در ولایت‌های پکتیکا، پکتیا، کنر و هلمند نیز تلفات ملکی گزارش شد.

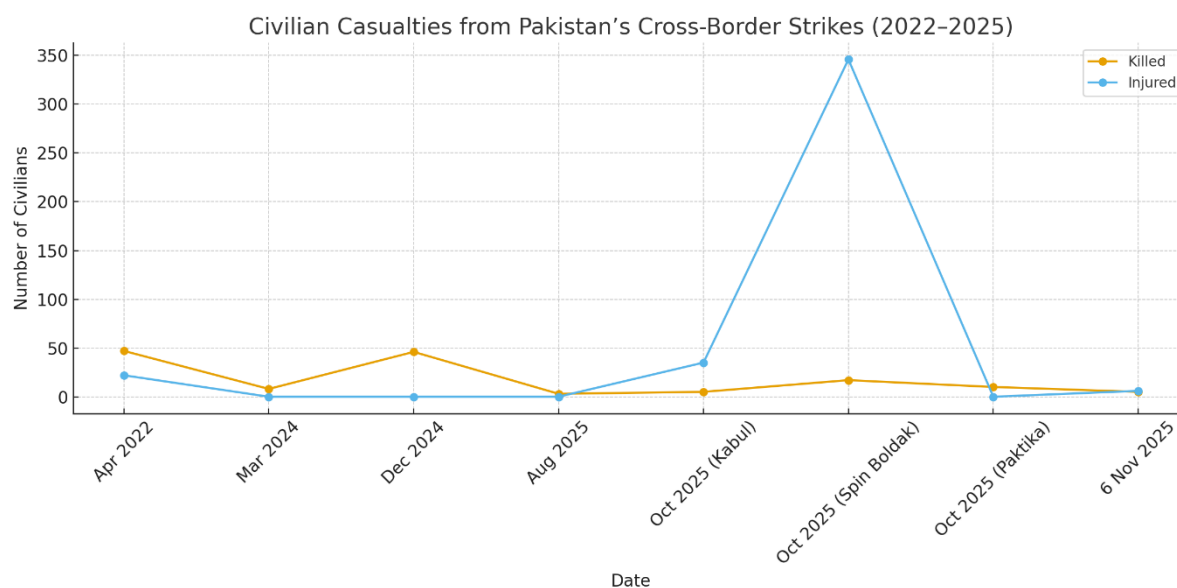
آتش‌بس دوام نیاورد. در ۱۷ اکتوبر، حملات پاکستان در ولسوالی‌های ارگون و برمل دست‌کم ده فرد ملکی، به‌شمول زنان، کودکان و سه بازیکن کرکت افغانستان را که در حال بازگشت به خانه بودند، کشت (The Print, 2025). افغانستان در اعتراض به این حملات، از اشتراک در مسابقات آینده کرکت در پاکستان انصراف داد.

تحلیلگران (طلوع‌نیوز، ۲۰۲۵ الف) این پرسش را مطرح کردند که آیا حملات مکرر پاکستان بر مناطق مسکونی، نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه بوده و می‌تواند از جمله جرایم احتمالی جنگی به شمار رود یا خیر.

(ز) نومبر ۲۰۲۵: تیراندازی در مرز و حملات هوایی تازه در جریان مذاکرات آتش‌بس

با وجود ادامه مذاکرات در استانبول و عربستان سعودی، تیراندازی در دو سوی مرز در ۶ نومبر ۲۰۲۵ باعث کشته شدن دست‌کم پنج فرد ملکی افغان، به‌شمول چهار زن و یک مرد، و زخمی شدن شش تن دیگر در سپین بولدک شد (فرانس ۲۴، 2025، مجاهد، 2025). هر یک از دو طرف، طرف مقابل را به آغاز تیراندازی متهم کرد. سپس، در ۲۵ نومبر، پاکستان بار دیگر حملات هوایی را در ولایت خوست انجام داد که در نتیجه آن یک زن و نه کودک کشته شدند (دویچه‌وله، 2025).

این رویداد نه تنها شکنندگی تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس را نشان داد، بلکه نارضایتی روزافزون پاکستان از استقلال بیشتر طالبان و خودداری آن‌ها از پیروی از خواسته‌های استراتژیکی را نیز آشکار ساخت که پاکستان در جریان سال‌های شورش طالبان از آن‌ها انتظار داشت.



شکل ۱: این نمودار نشان می‌دهد که مردم ملکی بارها در میان درگیری‌های شدید نظامی گیر مانده‌اند؛ در بسیاری موارد، بدون هیچ هشدار قبلی، بدون حفاظت و بدون هیچ راهی برای پاسخگو ساختن عاملان این حملات.

واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به حملات مکرر پاکستان در داخل افغانستان محدود و در بسیاری موارد خاموشانه بود. با آن‌که اقدامات پاکستان باعث تلفات سنگین ملکی، نقض حاکمیت ملی افغانستان و افزایش درگیری‌ها شد، بیشتر حکومت‌ها از انتقاد مستقیم از پاکستان خودداری کردند. این واکنش محتاطانه ناشی از ملاحظات جیوپولیتیکی، روابط دیرینه کشورها با اسلام‌آباد و نبود یک حکومت به رسمیت شناخته شده در افغانستان بود که بتواند حمایت دیپلماتیک کشورهای دیگر را جلب کند.

الف) سکوت، معیارهای دوگانه و واکنش‌های سلیقه‌ای

با وجود افزایش تلفات ملکی در افغانستان، هیچ کشوری اقدامات پاکستان را محکوم نکرد. کشورهایی که اغلب خود را شریک طالبان معرفی می‌کنند، به شمول چین، روسیه و ایران، تنها خواستار خویشتن‌داری دو طرف شدند.

اعلامیه‌های منتشرشده از سوی [\(خبرگزاری تسنیم ۲۰۲۵\)](#)، [تریبون، ۲۰۲۵\)](#)، [\(خبرگزاری رسمی عربستان سعودی، ۲۰۲۵\)](#) و [\(طلوع‌نیوز، ۲۰۲۵ ب\)](#) بر ضرورت گفتگو تأکید داشتند، اما به موضوع پاسخگویی و حفاظت از مردم ملکی نپرداختند. سازمان ملل متحد نیز از محکوم کردن مستقیم پاکستان خودداری کرد.

به رسمیت شناخته نشدن حکومت طالبان باعث شد که کشورها و نهادهای بین‌المللی بتوانند از نظر دیپلماتیک، نقض آشکار حاکمیت ملی افغانستان را آسان‌تر نادیده بگیرند. برای پاکستان که با بسیاری از کشورهای منطقه و کشورهای غربی روابط نزدیک دارد، این سکوت به معنای اجازه ضمنی برای ادامه عملیات نظامی با هزینه اندک برای اعتبار بین‌المللی این کشور بود.

تفاوت واکنش‌ها آشکار بود. زمانی که [اسرائیل یک حمله دقیق هوایی را در دوحه انجام داد](#)، قطر به سرعت سازمان همکاری اسلامی و سران کشورها را برای واکنش به این حمله بسیج کرد و توانست محکومیت شدید دیپلماتیک را، به شمول از سوی پاکستان، به دست آورد. اما زمانی که مردم ملکی افغانستان کشته شدند، کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی با همان میزان

فوریت و قاطعیت اخلاقی واکنش نشان ندادند. این تفاوت در واکنش‌ها نشان‌دهنده یک الگوی گسترده‌تر از واکنش‌های سلیقه‌ای بود که بیشتر بر اساس روابط و همسویی‌های سیاسی شکل می‌گیرد تا اصول ثابت.

انزوای دیپلماتیک افغانستان نقش مهمی در شکل‌گیری این واکنش‌ها داشت. با نبود یک حکومت به رسمیت شناخته‌شده در سطح بین‌المللی و محدود بودن راه‌های ارتباط دیپلماتیک، افغانستان هیچ میکانیزم مؤثری برای جلب حمایت کشورهای دیگر، به چالش کشیدن روایت پاکستان یا فراهم ساختن زمینه بررسی بین‌المللی اقدامات این کشور در اختیار نداشت.

ب) تلاش‌های میانجی‌گری و دیپلوماسی آتش‌بس

در حالی که هند اقدامات پاکستان را به صورت مستقیم محکوم کرد، شماری از کشورهای منطقه تلاش کردند تا از شدت بحران بکاهند. قطر، ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی نقش فعالی در تلاش برای برقراری آتش‌بس و فراهم ساختن زمینه گفتگو میان دو طرف ایفا کردند. قطر میزبان دوره‌های نخست مذاکرات بود و اعلام کرد که طالبان و پاکستان بر سر برقراری آتش‌بس فوری به توافق رسیده‌اند ([وزارت خارجه قطر](#)، 2025).

ترکیه بعداً در ۲۵ اکتوبر میزبان دور بعدی گفتگوها شد که بر ایجاد یک میکانیزم برای مدیریت مرز و راه‌های ارتباطی برای مدیریت بحران تمرکز داشت ([Mishra, 2025](#)). در اوایل دسمبر، عربستان سعودی بار دیگر میزبان مذاکرات میان دو طرف شد، اما این گفتگوها نیز بدون دستیابی به توافق پایان یافت ([The Diplomat, 2025](#)). با این حال، پاکستان تقریباً بلافاصله آتش‌بس را نقض کرد. به گزارش ([News On Air, 2025](#)) تنها چند ساعت پس از پایان آتش‌بس ۴۸ ساعته در ۱۸ اکتوبر، طیاره‌های پاکستانی بار دیگر پکتیکا را هدف حملات قرار دادند که در نتیجه آن شماری از مردم ملکی، به شمول ورزشکاران افغان، کشته شدند. این نقض آتش‌بس تلاش‌های دیپلماتیک را تضعیف کرد و نشان داد که اسلام‌آباد حتی در جریان مذاکرات نیز آماده است تا به اقدامات یک‌جانبه نظامی خود ادامه دهد.

موضع سیاسی پاکستان زمانی تندتر شد که وزیر دفاع این کشور به صورت علنی افغانستان را «دشمن شماره یک» پاکستان خواند و هشدار داد که در صورت ناکامی مذاکرات، احتمال آغاز جنگ آشکار میان دو کشور وجود دارد ([الجزیره](#)، ۲۰۲۵؛ [نشئل بولتن](#)، ۲۰۲۵). چنین اظهاراتی اعتماد میان دو طرف را بیشتر تضعیف کرد و به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها دامن زد.

پیامدهای سیاسی و امنیتی

اقدامات نظامی اخیر پاکستان و پاسخ قاطع طالبان، پیامدهای گسترده‌ای برای هر دو طرف به همراه داشت. آنچه با یک سلسله حملات در دو سوی مرز آغاز شد، به یک بحران سیاسی، اجتماعی و امنیتی تبدیل گردید که دیدگاه‌های مردم را تغییر داد، موقعیت برخی از طرف‌ها را تقویت کرد و وضعیت استراتژیک در امتداد خط دیورند را دگرگون ساخت.

الف) محاسبه نادرست استراتژیک پاکستان

پاکستان برای چندین دهه باور داشت که طالبان، که در جریان سال‌های شورش از آن‌ها حمایت کرده بود، پس از سال ۲۰۲۱ به صورت طبیعی در راستای منافع امنیتی این کشور عمل خواهند کرد. اما این انتظار نادرست ثابت شد. حملات هوایی، حملات سنگین توپخانه‌ای و فشارهای سیاسی تنها باعث شدند که طالبان با قاطعیت بیشتری بر استقلال خود تأکید کنند.

پاکستان با حمله بر خاک افغانستان، ناخواسته روایت ملی‌گرایانه طالبان را تقویت کرد. طالبان فرصت سیاسی بیشتری به دست آوردند تا خود را به عنوان مدافعان حاکمیت ملی افغانستان معرفی کنند. احساسات ضد پاکستانی در سراسر افغانستان به شدت افزایش یافت، حتی در میان گروه‌هایی که پیش از این از طالبان انتقاد می‌کردند.

در داخل پاکستان، افزایش تنش‌ها با منحرف ساختن توجه مردم از ناکامی‌های حکومت و افزایش ناامنی، برای مدت کوتاهی از فشارهای سیاسی بر حکومت کاست. اما از نظر استراتژیک، این اقدام یک محاسبه نادرست بود؛ زیرا پاکستان اکنون با حکومت طالبان روبه‌رو شده بود که روابط آن با کشورهای منطقه، به‌ویژه هند، در حال گسترش بود و موضع خصمانه‌تری در برابر پاکستان داشت.

ب) مشروعیت طالبان و افزایش حمایت مردمی در دفاع از کشور

در داخل افغانستان، حملات پاکستان موج نیرومندی از احساسات ملی را به وجود آورد. برای بسیاری از افغان‌ها، صرف‌نظر از دیدگاه‌های سیاسی‌شان، دفاع از کشور در برابر حملات خارجی بر اختلافات داخلی آن‌ها با طالبان اولویت پیدا کرد. این وضعیت باعث افزایش همدردی و حمایت مردمی از طالبان، کاهش توجه و انتقاد از سیاست‌های داخلی این گروه و منزوی شدن گروه‌های مخالف طالبان شد که در برابر حملات پاکستان بی‌تفاوت به نظر می‌رسیدند یا حتی چنین برداشت می‌شد که با پاکستان همسو هستند. بسیاری از افغان‌ها، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و در میان افغان‌های مقیم خارج از کشور، چنین گروه‌های مخالف را «مهره‌های پاکستان» خواندند.

در شرایطی که طالبان برای اثبات این موضوع که نیروی نیابتی پاکستان نیستند، زیر فشار قرار داشتند، پاسخ قاطع به حملات پاکستان به راهی برای نشان دادن استقلال و اقتدار ملی آن‌ها تبدیل شد. اگر طالبان به این حملات پاسخ نمی‌دادند، این کار می‌توانست در نظر حامیان‌شان و مردم افغانستان نشانه ضعف آن‌ها باشد. بنابراین، پاسخ نظامی طالبان با مسئله عزت ملی پیوند نزدیک پیدا کرد و مشروعیت داخلی آن‌ها را به میزان قابل توجهی افزایش داد. این وضعیت همچنان تصویر طالبان را به‌عنوان یگانه نیرویی که توانایی دفاع از خاک افغانستان را دارد، تقویت کرد.

ج) پیامدها برای امنیت داخلی پاکستان

پاکستان در شرایط حساسی وارد این درگیری‌ها شد. روابط این کشور با هند رو به وخامت بود و فعالیت گروه‌های شورشی در داخل پاکستان، به‌ویژه تحریک طالبان پاکستان (TTP)، افزایش می‌یافت. اعتماد مردم به نهادهای امنیتی این کشور نیز، به‌خصوص در مناطق قبایلی خیبر پختونخوا و بلوچستان، رو به کاهش بود. گشودن یک جبهه دیگر در برابر افغانستان، توانایی‌های نظامی و سیاسی پاکستان را بیشتر زیر فشار قرار داد.

افزون بر این، خودداری ادعاشده طالبان از اقدام علیه تحریک طالبان پاکستان، نشان‌دهنده اختلاف اساسی میان دو طرف بود. این وضعیت پاکستان را در برابر افزایش حملات آسیب‌پذیر ساخت و هم‌زمان این کشور را درگیر یک رویارویی پرتنش در امتداد خط دیورند کرد.

در چنین شرایطی، افزایش درگیری‌ها از سوی پاکستان می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در داخل این کشور دامن بزند. تلاش برای معرفی افغانستان به‌عنوان منبع ناامنی‌های پاکستان ممکن است به حکومت این کشور از نظر سیاسی کمک کند، اما تأثیر چندانی بر رفع مشکلات اساسی در مبارزه با تروریسم و حکومتداری ندارد.

د) یک میدان نبرد دیگر: افزایش تنش‌ها در رسانه‌ها و جنگ روایت‌ها

افزایش تنش‌ها تنها به اقدامات نظامی محدود نماند، بلکه به‌شدت به عرصه رسانه‌ها و اظهارات سیاسی نیز گسترش یافت. هر دو کشور از شبکه‌های اجتماعی، اعلامیه‌های رسمی و رسانه‌های نزدیک به حکومت برای شکل دادن به افکار عمومی و جلب حمایت مردم استفاده کردند. ویژگی‌های اصلی این جنگ رسانه‌ای شامل ادعاهای متضاد در مورد شمار تلفات، استفاده از روایت‌ها به‌عنوان ابزار جنگ، اظهارات احساساتی و زبان تحقیرآمیز علیه طرف مقابل، و پخش معلومات نادرست از طریق شبکه‌های محلی و در میان افغان‌های مقیم خارج از کشور بود.

تبادل اظهارات میان وزیر دفاع پاکستان و سخنگوی طالبان، از جمله اشاره به «توره بوره» (آصف، 2025) و «صلاحیت محدود به یک توییت» (افغانستان انترنشنل، ۲۰۲۵ ب)، نمونه روشنی از گسترش تنش‌ها به عرصه رسانه‌ها و جنگ روایت‌ها بود.

چنین روایت‌هایی دیدگاه‌های مردم را در برابر طرف مقابل سخت‌تر ساخت و فرصت‌های سیاسی برای رسیدن به توافق را کاهش داد. می‌توان گفت که افزایش تنش‌ها در جنگ روایت‌ها، از همه خطرناک‌تر بود؛ زیرا دشمنی میان دو طرف را عمیق‌تر ساخت، احساسات عمومی را برانگیخت و هر دو طرف را به مواضعی کشاند که عقب‌نشینی از آن‌ها روزبه‌روز دشوارتر می‌شد.



Khawaja M. Asif
@KhawajaMasif

While on the request of brotherly countries who were persistently being beseeched by Taliban Regime, Pakistan indulged in talks to give peace a chance, venomous statements by certain Afghan officials clearly reflect the devious and splintered mindset of Taliban regime. Let me assure them that Pakistan does not require to employ even a fraction of its full arsenal to completely obliterate the Taliban regime and push them back to the caves for hiding. If they wish so, the repeat of the scenes of their rout at Tora Bora with their tails between the legs would surely be a spectacle to watch for the people of the region. It is sad to see how the Taliban regime is blindly pushing Afghanistan into yet another conflict, just to retain its usurped rule and maintain the war economy that sustains them. Despite fully knowing their inherent limitations and hollowness of their war cries, they are beating the war drums to maintain their crumbling facade. If the Afghan Taliban regime is madly hellbent upon ruining Afghanistan and its innocent people once again then so be it.



عکس ۳: طالبان از تحلیلگران سیاسی که در جریان رویارویی با پاکستان به صورت علنی از موضع این گروه حمایت کردند، تقدیر می‌کنند.
عکس ۴: بخشی از توییت منتشرشده از سوی وزیر دفاع پاکستان.

تغییر وضعیت استراتژیک برای هر دو طرف

تمام این تحولات روابط طالبان و پاکستان را به گونه‌ای تغییر داد که ممکن است پیامدهای آن برای مدت طولانی باقی بماند. طالبان از نظر سیاسی و نظامی با اعتمادبه‌نفس بیشتری ظاهر شدند. پاکستان نیز ناخواسته نفوذ خود را بر حکومت طالبان در کابل تضعیف کرد. احساسات مردم در هر دو طرف تندتر شد و این وضعیت تلاش‌های دیپلماتیک را دشوارتر ساخت. وضعیت منطقه نیز پیچیده‌تر شد و کشورهایی مانند هند، ایران، روسیه و چین رویکردهای خود را در برابر این تحولات بازنگری کردند. با فروپاشی همکاری میان حامی و نیروی نیابتی، فرصت‌های تازه‌ای برای گروه‌های شورشی فراهم شد.

این بحران نشان داد که برداشت‌های سنتی در مورد اهرم‌های فشار، نیروهای نیابتی و نفوذ سیاسی دیگر اعتبار گذشته را ندارند. اکنون هر دو کشور با یک وضعیت استراتژیک تازه روبه‌رو هستند؛ وضعیتی که با افزایش بی‌اعتمادی و درگیری‌های آشکار، قدرت گرفتن گروه‌های مسلح و بی‌ثباتی اساسی در امتداد خط دیورند همراه است.

الف) درگیری به عنوان فرصتی برای گروه‌های مسلح

افزایش تنش‌ها می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را برای گروه‌های شورشی و مسلح فعال در امتداد خط دیورند فراهم سازد. این خطر زمانی بیشتر می‌شود که یکی از دو طرف، به‌ویژه زمانی که هر دو طرف، شروع به حمایت و تقویت گروه‌های مسلح دیگر علیه یکدیگر کنند. چنین وضعیتی فرصت‌هایی را برای جذب نیرو، گسترش فعالیت‌ها و افزایش رفت‌وآمد گروه‌های مسلح در دو سوی مرز فراهم می‌سازد. در چنین شرایط آشفته و پرتنش، این گروه‌ها از وضعیت استفاده کرده و نفوذ خود را گسترش می‌دهند. تحریک طالبان پاکستان (TTP) از نظر توانایی و فعالیت روزبه‌روز قوی‌تر شده است و می‌تواند با استفاده از این تنش‌ها، عملیات خود را شدت بخشد.

شاخه خراسان داعش (ISKP) نیز که بر اساس گزارش‌ها در هر دو سوی مرز فعالیت دارد، از نارضایتی‌های مردم محل استفاده می‌کند و با بهره‌گیری از شبکه‌های خود در شهرها و مناطق روستایی، حملاتی را در افغانستان و پاکستان انجام می‌دهد. گروه‌های دیگری که فعالیت‌های آن‌ها برای مدتی متوقف شده بود نیز ممکن است با افزایش بی‌ثباتی دوباره فعال شوند. این تحولات خطر شکل‌گیری یک وضعیت پیچیده و چندلایه جنگی را افزایش می‌دهد که در آن نیروهای دولتی، شبکه‌های شورشی و قدرت‌های منطقه‌ای بیش از پیش درگیر یکدیگر می‌شوند.

ب) تغییر روابط سیاسی و احتمال شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی

یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی کنونی، تغییر روابط سیاسی میان طالبان و پاکستان است. دو طرف که در گذشته متحد یکدیگر بودند، اکنون روزبه‌روز از هم فاصله می‌گیرند. به نظر می‌رسد که طالبان از طریق همکاری‌های بشردوستانه، اقتصادی و ارتباطات محدود دیپلماتیک، در حال نزدیک شدن به هند هستند. پاکستان نیز به‌صورت غیرمستقیم آمادگی خود را برای برقراری ارتباط با گروه‌های افغان مخالف طالبان، به‌شمول مخالفان سیاسی و گروه‌های مستقر در خارج از کشور، نشان داده است.

این تحولات پیامدهای مهمی دارند. زمانی که راه‌های حمایت از گروه‌های نیابتی باز شوند، حتی اگر این حمایت‌ها غیررسمی باشند، متوقف ساختن آن‌ها دشوار خواهد بود. پاکستان در گذشته از گروه‌های جهادی و شورشی افغان برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود استفاده کرده است. وضعیت کنونی خطر بازگشت به همان روش را افزایش می‌دهد. سناریوهای احتمالی شامل حمایت پاکستان از گروه‌های مخالف طالبان برای وارد کردن فشار بر کابل، چشم‌پوشی طالبان از فعالیت گروه‌های مخالف اسلام‌آباد یا فراهم ساختن زمینه فعالیت برای آن‌ها، به‌ویژه تحریک طالبان پاکستان (TTP)، و حمایت پنهانی دیگر کشورهای منطقه از گروه‌های مختلف برای پیشبرد منافع امنیتی خود است.

اگر هر یک از دو طرف بیش از پیش به حمایت از گروه‌های شورشی علیه طرف مقابل روی آورد، منطقه، به‌ویژه افغانستان، ممکن است بار دیگر با دور تازه‌ای از جنگ‌های نیابتی روبه‌رو شود.

ج) قدرت‌های منطقه‌ای: نگرانی‌ها و محاسبات استراتژیک

چین، ایران و روسیه با نگرانی روزافزون به افزایش تنش‌ها میان طالبان و پاکستان نگاه می‌کنند. منافع این کشورها تنها به ثبات مناطق مرزی محدود نمی‌شود. آن‌ها نگران گسترش نفوذ فکری و حضور فیزیکی گروه‌های مسلح در سین‌کیانگ (شمال‌غرب چین)، بلوچستان، آسیای میانه و شرق ایران هستند. این کشورها می‌خواهند از تبدیل شدن افغانستان به پایگاهی برای فعالیت جنبش‌های جهادی فراملی جلوگیری کنند. آن‌ها همچنان نگران حضور دوباره ایالات متحده آمریکا در منطقه هستند؛ چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق همکاری‌های مشترک در مبارزه با تروریسم.

این نگرانی‌ها باعث شده است که قدرت‌های منطقه‌ای به‌صورت غیرعلنی دو طرف را به کاهش تنش‌ها تشویق کنند. ایران و روسیه، به‌ویژه، آمادگی خود را برای میانجی‌گری نشان داده‌اند؛ نه به دلیل همدردی با یکی از دو طرف، بلکه به دلیل خطراتی که گسترش فعالیت گروه‌های مسلح به کشورهای همسایه می‌تواند برای امنیت داخلی خود آن‌ها ایجاد کند.

د) خطر ادامه درگیری‌های محدود برای مدت طولانی

با وجود برقراری چندین آتش‌بس و برگزاری دوره‌های مختلف مذاکرات، نبود یک میکانیزم مورد توافق برای مدیریت مرز و یک چارچوب مشخص برای مدیریت بحران، به این معناست که خطر آغاز دوباره درگیری‌ها همچنان بالا است. حضور گروه‌های مسلح در دو سوی مرز باعث می‌شود که حتی یک رویداد کوچک، مانند یک سوءتفاهم مرزی، بتواند بار دیگر درگیری‌ها را آغاز کند. اگر این وضعیت ادامه یابد، مناطق مرزی ممکن است برای مدت طولانی به ساحه درگیری‌های نظامی با شدت پایین تبدیل

شوند. گروه‌های شورشی و مسلح می‌توانند آزادی رفت‌وآمد بی‌سابقه‌ای به دست آورند و هر دو طرف ممکن است وارد یک رویارویی طولانی و غیرقابل پیش‌بینی شوند.

به‌طور خلاصه، بحران میان طالبان و پاکستان دیگر تنها یک اختلاف میان دو کشور نیست، بلکه به یک چالش امنیتی منطقه‌ای تبدیل شده است که پیامدهای آن می‌تواند جنوب آسیا، آسیای میانه و جامعه جهانی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

پیامدهای پالیسی

این بحران نشان می‌دهد که چگونه رابطه میان یک حامی و نیروی نیابتی می‌تواند به سرعت به بی‌اعتمادی، پیامدهای ناخواسته و تهدیدی ناگهانی برای امنیت خود پاکستان تبدیل شود؛ وضعیتی که اسلام‌آباد انتظار آن را نداشت. اقدامات زیر می‌تواند به جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع کمک کند.

الف) پیشنهادها برای طالبان

تقویت مشروعیت داخلی/از طریق حکومتداری فراگیر و نمایندگی/از مردم: پاسخ نظامی به‌تنهایی نمی‌تواند کمبود مشروعیت گسترده طالبان را جبران کند. بدون مشارکت فراگیر سیاسی، طالبان در حفظ حمایت درازمدت مردم در بحران‌های آینده با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند شد. مشروعیت قوی داخلی که بر مشارکت و همکاری با اقشار مختلف جامعه افغانستان، به‌شمول زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی، جامعه مدنی و گروه‌های سیاسی استوار باشد، کلید ثبات پایدار است. به رسمیت شناخته‌نشدن حکومت طالبان یکی از دلایل اصلی بود که هیچ کشوری تجاوز پاکستان به حاکمیت ملی افغانستان را محکوم نکرد.

تقویت امنیت مرزی و جلوگیری از گسترش فعالیت گروه‌های مسلح: صرف نظر از این که ادعاهای پاکستان درست یا نادرست باشند، جلوگیری از استفاده هر گروه مسلح از خاک افغانستان برای تهدید کشورهای همسایه، به نفع منافع ملی افغانستان است. ایجاد یک مکانیزم شفاف برای تأمین امنیت مرزی، توجیه پاکستان برای انجام حملات را تضعیف کرده و احتمال افزایش تنش‌ها را کاهش می‌دهد.

خویش‌نهاداری در جنگ رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها: بسیج مردم از طریق روایت‌های سیاسی ممکن است در کوتاه‌مدت دستاوردهای سیاسی به همراه داشته باشد، اما در عین حال، اختلافات و دودستگی در میان مردم را عمیق‌تر ساخته و ذهنیت جنگ و درگیری را به یک امر عادی تبدیل می‌کند. طالبان باید روش‌های ارتباطی و رسانه‌ای را در پیش گیرند که به جای دامن زدن به تنش‌ها، به کاهش آن‌ها کمک کند، معلومات دقیق و واقعی را در اولویت قرار دهد و از معرفی جنگ و درگیری به عنوان یک امر حتمی یا مطلوب خودداری کند.

ب) پیشنهادها برای پاکستان

پایان دادن به حملات هوایی و عملیات نظامی در آن سوی مرز: حملات هوایی پاکستان همواره باعث تلفات ملکی، افزایش احساسات ضد پاکستانی و تضعیف امنیت خود این کشور شده است. عملیات نظامی در افغانستان نتوانسته تحریک طالبان پاکستان (TTP) را تضعیف کند، بلکه تنها موضع مردم افغانستان را در برابر پاکستان سخت‌تر ساخته است. پایان دادن به حملات یک‌جانبه برای جلوگیری از افزایش بیشتر تنش‌ها ضروری است.

بازنگری در روابط با طالبان: فشارهای اجباری و تهدیدهای علنی نتایج معکوس داشته‌اند. پاکستان باید با نیت نیک و از راه‌های دیپلماتیک و بشردوستانه با طالبان تعامل کند، اما این تعامل باید تنها با هدف کاهش رنج و مشکلات مردم ملکی صورت گیرد، نه به عنوان راهی برای به رسمیت شناختن سیاسی طالبان. پاکستان باید از اظهاراتی که باعث تحقیر افغانستان یا زیر سؤال بردن مشروعیت آن به عنوان یک کشور می‌شود، خودداری کند و برای ایجاد روابط باثبات، مبتنی بر احترام به حاکمیت ملی و قابل

پیش‌بینی تلاش نماید. این‌که طالبان با دیگر گروه‌های سیاسی آشتی کنند، با مخالفت روبه‌رو شوند یا از قدرت کنار زده شوند، یک مسئله داخلی افغانستان است و نباید از آن به‌عنوان ابزاری برای انتقام‌گیری استفاده شود.

رسیدگی به فعالیت گروه‌های مسلح در داخل پاکستان به‌جای انداختن مسئولیت آن به دوش افغانستان: چندین دهه تکیه بر گروه‌های مسلح برای تأمین عمق استراتژیک، نتایج معکوسی برای پاکستان به همراه داشته است. پاکستان باید استراتژی‌های داخلی خود را در مبارزه با تروریسم اصلاح کند، میکانیزم‌های تأمین قانون و نظم را تقویت نماید و از انداختن مسئولیت افزایش فعالیت گروه‌های شورشی در داخل این کشور به دوش افغانستان خودداری کند.

خودداری از حمایت از گروه‌های مخالف طالبان: برقراری ارتباط با مخالفان سیاسی افغان یا گروه‌های مستقر در خارج از کشور ممکن است در کوتاه‌مدت ابزار فشار بیشتری در اختیار پاکستان قرار دهد، اما این اقدام خطر بازگشت به جنگ‌های نیابتی را افزایش می‌دهد؛ جنگ‌هایی که در گذشته باعث بی‌ثباتی در منطقه، به‌ویژه افغانستان، شده‌اند. پاکستان باید از بازگشت به جنگ‌های نیابتی خودداری کند و به‌جای دامن زدن به اختلافات و چنددستگی، دیپلوماسی را در اولویت قرار دهد. پاکستان تنها با جدیت و نیت نیک می‌تواند نقش سازنده‌ای در تشویق طالبان و دیگر اقشار جامعه افغانستان برای تلاش در راستای ساختن یک آینده مشترک ایفا کند.

ج) پیشنهادها برای کشورهای منطقه و جامعه جهانی

حمایت از ایجاد میکانیزم‌های منظم برای کاهش تنش‌ها: کشورهایمانند قطر، ترکیه، ایران، روسیه، عربستان سعودی و چین در جریان این بحران نقش سازنده‌ای ایفا کردند. همکاری این کشورها باید گسترش یابد تا راه‌های ارتباط مستقیم برای مدیریت بحران و اقداماتی برای ایجاد اعتماد میان دو طرف در امتداد خط دیورند فراهم شود.

افزایش فشار سیاسی بر هر دو طرف برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها: جامعه جهانی باید به‌صورت دوامدار از هر دو طرف بخواهد که از حملات در آن سوی مرز، اظهارات تحریک‌آمیز و دامن زدن به دشمنی، و حمایت از گروه‌های نیابتی یا شورشی خودداری کنند. برخورد یکسان و اصولی با هر دو طرف اهمیت دارد؛ زیرا واکنش‌های سلیقه‌ای اصول و معیارهای بین‌المللی را تضعیف کرده و طرف‌های درگیر را به ادامه اقدامات خلاف این اصول تشویق می‌کند.

تقویت نظارت، گزارش‌دهی و پاسخگویی: سازمان ملل متحد و نهادهای منطقه‌ای باید نظارت بر آسیب‌های واردشده به مردم ملکی و گزارش‌دهی در مورد رویدادهای مرزی را تقویت کنند و از ایجاد میکانیزم‌های مستقل برای بررسی و تأیید این رویدادها حمایت نمایند. این شفافیت می‌تواند به جلوگیری از تخلفات و حفاظت از مردم ملکی کمک کند.

تشویق مشارکت سیاسی فراگیر در افغانستان: کشورهای جهان و نهادهای بین‌المللی باید به تلاش‌های خود برای ایجاد یک چارچوب سیاسی فراگیر در افغانستان ادامه دهند. این موضوع تنها به حقوق بشر مربوط نمی‌شود، بلکه یک ضرورت استراتژیک نیز به شمار می‌رود. حکومتی که از مردم خود فاصله گرفته و منزوی شده باشد، در برابر مداخلات خارجی، شورش‌های داخلی و بحران‌هایی مانند بحران کنونی آسیب‌پذیرتر خواهد بود.

جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به میدان تازه‌ای برای رقابت قدرت‌های بزرگ: قدرت‌های منطقه‌ای باید از دامن زدن به تنش‌ها یا حمایت از گروه‌های مختلف خودداری کنند. بحران کنونی یک مسئله امنیتی است، نه فرصتی برای پیشبرد رقابت‌های جیوپولیتیکی. یک افغانستان چندپارچه یا ادامه طولانی مدت رویارویی میان طالبان و پاکستان، امنیت جنوب آسیا، آسیای میانه و تمام منطقه را با خطر روبه‌رو خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

افزایش تنش‌ها میان طالبان و پاکستان نشان‌دهنده‌ی یکی از جدی‌ترین بحران‌ها در روابط دو طرف طی چندین دهه‌ی گذشته است. آنچه با اتهامات متقابل در مورد فعالیت گروه‌های مسلح در دو سوی مرز آغاز شد، به حملات هوایی، حملات طیاره‌های بی‌پilot، درگیری‌های شدید زمینی و تلفات گسترده‌ی ملکی تبدیل گردید. این بحران محدودیت‌ها و بی‌ثباتی رابطه‌ی دیرینه‌ی حامی و نیروی نیابتی را آشکار ساخت و نشان داد که بی‌اعتمادی دوامدار و شکنندگی وضعیت امنیتی مشترک همچنان از ویژگی‌های اصلی روابط دو طرف است.

پاسخ قاطع طالبان به حملات پاکستان، دیدگاه‌های مردم را در داخل افغانستان تغییر داد. برای بسیاری از افغان‌ها، دفاع از کشور در برابر یک تهدید خارجی بر نارضایتی آن‌ها از حکومتداری داخلی طالبان اولویت پیدا کرد. در همین حال، پاکستان در محاسبه‌ی پیامدهای سیاسی اقدامات خود اشتباه کرد. حملات این کشور به جای وارد کردن فشار بر طالبان، احساسات ملی‌گرایانه را در میان افغان‌ها تقویت کرد، نفوذ اسلام‌آباد بر طالبان را کاهش داد و خطرات تازه‌ای را در امتداد مرزی به وجود آورد که پیش از این نیز با فعالیت گروه‌های مسلح روبه‌رو بود.

واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محدود باقی ماند؛ واکنش‌هایی که تحت تأثیر روابط و همسویی‌های جیوپولیتیکی و هزینه‌های دیپلماتیک تعامل با یک حکومت به رسمیت شناخته‌نشده‌ی افغان قرار داشتند. هرچند قطر، ترکیه و شماری از کشورهای خلیج نقش سازنده‌ای در فراهم ساختن زمینه‌ی مذاکرات آتش‌بس ایفا کردند، اما آغاز دوباره‌ی درگیری‌ها و نبود میکانیزم‌های رسمی برای مدیریت بحران، بارها این تلاش‌ها را تضعیف کرد. در نتیجه، منطقه همچنان در برابر محاسبات نادرست، سوءاستفاده‌ی گروه‌های مسلح از وضعیت و افزایش بیشتر تنش‌ها آسیب‌پذیر باقی مانده است.

بحران میان طالبان و پاکستان در نهایت آزمونی برای این است که چگونه دو متحد پیشین که اکنون به دشمن یکدیگر تبدیل شده‌اند، می‌توانند در شرایطی که روابط و اتحادهای سیاسی در حال تغییر است، روایت‌های متضاد وجود دارد و میکانیزم‌های منظم برای مدیریت مرز در دسترس نیست، روابط خود را مدیریت کنند.

ثبات به آمادگی هر دو طرف برای کنار گذاشتن فشارهای اجباری و اظهارات تحریک‌آمیز، حفاظت از مردم ملکی و رسیدگی به عوامل داخلی ناامنی، به جای انداختن مسئولیت آن به دوش طرف مقابل، بستگی خواهد داشت.

بدون تلاش‌های دوامدار دیپلماتیک و هماهنگی منطقه‌ای، خط دیورند نه تنها به عنوان یک مرز مورد اختلاف باقی خواهد ماند، بلکه همچنان می‌تواند عامل آغاز درگیری‌های آینده باشد؛ درگیری‌هایی که پیامدهای آن بسیار فراتر از مناطق مرزی خواهد رفت.

افغانستان انټرنشنل (2025 ب)، مجاهد د اصف گوانبونو ته: د هغه کس خبرې جدي نه گنځو چې ټول واک یې پر یوه توبېت محدود وي، (پښتو)، <https://www.afintl.com/pa/202511019631>

Afghanistan International. (2025a). *Pakistan confirms airstrikes on targets in Kabul & Kandahar*. <https://www.afintl.com/en/202510155917>

Aljazeera (2025), Pakistan minister warns of 'open war' with Afghanistan if peace talks fail, <https://www.aljazeera.com/news/2025/10/25/pakistan-minister-warns-of-open-war-with-afghanistan-if-peace-talks-fail>

Aljazeera, (2022), At least 47 dead in Afghanistan after Pakistan attacks: Officials, <https://www.aljazeera.com/news/2022/4/17/afghanistan-death-toll-in-pakistan-strikes-rises-to-47-official>

Asif. K, (2025), tweet on sending Taliban back to caves with their tails between their legs, ostensibly comparing them to dogs. <https://x.com/KhawajaMArif/status/1983426574272868408>

BBC, (2025), Hamas claims leadership survived Israeli attack in Doha, but confirms six deaths, <https://www.bbc.co.uk/news/articles/ced58zywdwno>

DW, (2025), Pakistan strikes Afghanistan, kills 9 children, Taliban says, <https://www.dw.com/en/pakistan-airstrike-afghanistan-khost-taliban/a-74874535>

European Foundation for South Asian Studies (EFSAS). (2018). *The Durand Line: A razor's edge between Afghanistan and Pakistan*. European Foundation for South Asian Studies. <https://www.efsas.org/publications/study-papers/the-durand-line-a-razors-edge-between-afghanistan-and-pakistan/>

France 24 (2025). *5 killed in Afghan-Pakistan border fire despite peace talks*: <https://www.france24.com/en/live-news/20251106-5-killed-in-afghan-pakistan-border-fire-despite-peace-talks-official>

Ghorzang, S. (2025). *Pakistan airstrikes hit Nangarhar and Khost, civilians killed, injured*. TOLONews. <https://tolonews.com/afghanistan-195570>

Hussain, A. (2024b). *Pakistan air strikes in Afghanistan spark Taliban warning of retaliation*. Al Jazeera. <https://www.aljazeera.com/news/2024/12/25/pakistan-air-strikes-in-afghanistan-spark-taliban-warning-of-retaliation>

Hussain. A. (2024a), Tensions high after Pakistan launches cross-border attacks into Afghanistan, Aljazeera, <https://www.aljazeera.com/news/2024/3/18/pakistan-launch-retaliatory-strikes-inside-afghanistan-raising-tensions>

Jafeer, Q., & Saeed, S. (2020). *Pakistan and Afghanistan's claims over Durand Line: An analysis*. *Pakistan Journal of History and Culture*, 41(2), 234–249.

Kaura. V, (2017), The Durand Line: A British Legacy Plaguing Afghan-Pakistani Relations, <https://www.mei.edu/publications/durand-line-british-legacy-plaguing-afghan-pakistani-relations>

Khan, M. A. M. (2025). Pakistan–Afghanistan relations: A historical perspective. *NDU Journal*, 2025, 163–178. National Defence University, Islamabad, Ministry of Defence, Pakistan.

Khattak, D. (2025). In 'dangerous' escalation, Pakistani drone strikes kill two senior Taliban members in Kabul. Radio Free Europe/Radio Liberty. <https://www.rferl.org/a/pakistan-taliban-ttp-afghanistan-strikes-drone/33556513.html>

Ministry of Foreign Affairs of Qatar, (2025), Pakistan and Afghanistan Agree to an Immediate Ceasefire During a Round of Negotiations in Doha, <https://mofa.gov.qa/en/latest-articles/statements/pakistan-and-afghanistan-agree-to-an-immediate-ceasefire-during-a-round-of-negotiations-in-doha>

Mishra, A. (2025), Afghanistan, Pakistan resume Istanbul talks to finalize ceasefire, border mechanism, The Sunday Guardian, <https://sundayguardianlive.com/news/afghanistan-pakistan-resume-istanbul-talks-to-finalize-ceasefire-border-mechanism-158217/>

Mujahid, Z. [@Zabehulah_M33]. (2025). While the third round of negotiations with the Pakistani side has begun in Istanbul, unfortunately, this afternoon Pakistani forces... [Tweet]. X. https://x.com/Zabehulah_M33/status/1986455711514247508

News On Air, (2025), Pakistan Violates Ceasefire with Airstrike in Afghanistan, Killing 10 Including Three Local Cricketers, <https://www.newsonair.gov.in/pakistan-airstrike-kills-10-in-afghanistan-including-cricketers-ceasefire-collapses/#:~:text=The%2048%2Dhour%20truce%20paused,three%20locations%20in%20Paktika%20province>

Omrani, B. (2018). *The Durand Line: Analysis of the legal status of the disputed Afghanistan–Pakistan frontier*. *University of Miami International and Comparative Law Review*, 26(1), 75–125. <https://repository.law.miami.edu/umiclr/vol26/iss1/4>

Reuters, (2024), Taliban says it hit back at Pakistan after air strikes in Afghanistan kill 8, <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/pakistan-carried-out-two-air-strikes-inside-afghanistan-killed-8-people-taliban-2024-03-18/>

RFE/RL's Radio Mashaal & RFE/RL's Radio Azadi. (2025). *Fierce fighting, high number of casualties reported along Pakistan-Afghanistan border*. Radio Free Europe/Radio Liberty. <https://www.rferl.org/a/pakistan-afghan-taliban-border-clashes-ttp/33557312.html>

Samim, S. (2024, April). *The Durand Line and the fence: How are communities managing with cross-border lives?* Afghanistan Analysts Network. <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/cross-border-relations/the-durand-line-and-the-fence-how-are-communities-managing-with-cross-border-lives/>

Saudi Press Agency, (2025) Saudi Arabia Voices Concern over Border Tensions between Pakistan and Afghanistan, <https://www.spa.gov.sa/en/N2418933>

Tasnim News Agency, (2025), Iran Urges Pakistan, Afghanistan to Exercise Self-Restraint, <https://www.tasnimnews.com/en/news/2025/10/12/3421250/iran-urges-pakistan-afghanistan-to-exercise-self-restraint>

The Diplomat, (2025), Saudis Also Fail to Defuse Pakistan-Afghan Taliban Crisis, <https://thediplomat.com/2025/12/saudis-also-fail-to-defuse-pakistan-afghan-taliban-crisis/>

The National Bulletin, 2025, Pakistan Defense Minister Calls Afghanistan 'No.1 Enemy', Labels Them 'Traitors' in Major Escalation, <https://thenationalbulletin.in/pakistan-defence-minister-calls-afghanistan-no1-enemy-labels-them-traitors-in-major-escalation>

The Print. (2025). *Afghanistan pull out of tri-series involving Pakistan after killing of Afghan players in Paktika*. The Print. <https://theprint.in/sport/afghanistan-pull-out-of-tri-series-involving-pakistan-after-killing-of-afghan-players-in-paktika/2766794/>

The Tribune, (2025), China calls on Pakistan, Afghanistan to end conflict, <https://www.tribuneindia.com/news/world/china-calls-on-pakistan-afghanistan-to-end-conflict/>

Tolonews, (2025a), Targeting Civilians and Athletes: Experts Call Out Pakistan for War Crimes, <https://tolonews.com/afghanistan-196195>

Tolonews, (2025b) Regional Support for Afghanistan–Pakistan Ceasefire, <https://tolonews.com/index.php/afghanistan-196223>

Torelli, C. (2022, April 22). *Pakistani airstrike leaves 47 civilians dead, 22 injured in Afghanistan's Khost and Kunar provinces*. Action on Armed Violence (AOAV). <https://aoav.org.uk/2022/pakistani-airstrike-leaves-47-civilians-dead-22-injured-in-afghanistans-khost-and-kunar-provinces/>

United Nations Assistance Mission in Afghanistan, (2024), Update on the human rights situation in Afghanistan: January - March 2024 update, https://unama.unmissions.org/sites/default/files/human_rights_update_march_2024_engf.pdf

United Nations Assistance Mission in Afghanistan. (2025). *UNAMA welcomes Afghanistan-Pakistan ceasefire, urges protection of civilians*. <https://unama.unmissions.org/unama-welcomes-afghanistan-pakistan-ceasefire-urges-protection-civilians>

درباره نویسنده

طارق جهان بنیان‌گذار و رئیس مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان (ACSTD) است. او در حال حاضر مصروف تحصیل در دوره دکتورا در پوهنتون سنت اندروز است و تحقیقاتش بر ارتباطات استراتژیک در جنگ افغانستان تمرکز دارد. فعالیت‌های پژوهشی او شامل بررسی تروریسم، شورشگری و افراط‌گرایی است. طارق پیش از این با حکومت پیشین افغانستان و همچنان در بخش انکشاف بین‌المللی در سکتور خصوصی کار کرده است.